

تقدیم به تندیس مهربانی، مادرم و دلیل زندگی ام،  
کیارش عزیزم

زارعی

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

اصغری



اگه جزو کسانی هستی که عربی رو دوست دارن، یا لاقل پذیرفتن که باید تو این دو سه سال تا کنکورشون، برای درس عربی حسابی وقت بذارن که هیچ، ما کاملاً باهات موافقیم.

اما اگه جزو دسته دیگه‌ای هستی که هیچ‌جوره با عربی کنار نیمن و مدام می‌گن: «آه، چه فیره این‌همه قواعد سفت و عیب غریب واسه یه زبان؟» یا «نگاه کن! انْتُمَا ... انْتُمْ ... انْتُنَّ ... یه کاریه فب؟ یه کلمه بگو، شما!» و از این جور حرفا، بیا بشین یه دو کلام با هم حرف بزنیم: کلام اول! کنکور خواهر من! کنکور برادر من! وقتی می‌دونی درصد عربی چه اثر مهمی تو نتیجه کنکور داره، خب یه کم گاردتو باز کن نسبت بهش، نمی‌گم دوست جون جونی شو با عربی، ولی باور کن در حد یه رفاقت معمولی رو می‌تونی داشته باشی باهاش. چه طوری؟ بعد کلام دوم بهت می‌گم.

کلام دوم) فرض کن می‌خوای یه مسیر سخت و پرپیچ‌وخم رو طی کنی، معلومه که ذهنت ناخودآگاه جلوی این سختی و قدم گذاشتن تو مسیر مقاومت می‌کنه. ولی اگه کسی که قبل تو این راهو رفته بهت بگه آخر راه کلی مناظر زیبا و دلپذیر منتظرته، مطمئناً راحت‌تر راه می‌فتی و با سختیای مسیر کنار می‌ای. حکایت عربی‌خوندن و سختیاشه. هر چی به عربی مسلط‌تر بشی منظره‌های زیباتری منتظرته. می‌پرسی چیه؟ اولیش همین شیرینی موفقیت تو امتحانات و کنکور. دومیش واسه تو که دانش‌آموز انسانی هستی و از اون اهل دل‌اشی! لذت‌بردن بیشتر از زبان و ادبیات فارسی خودمونه. بهتر از من می‌دونی که کلی از شاهکارهای ادبیات فارسی پر از عبارات عربی هستن. مثل این غزل حافظ: از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه / اِتی رأیتُ دهرًا من هجرک القیامة (از دوری تو، روزگار را مثل قیامت [سخت و ترسناک] دیدم). یا غزل معروف سعدی: «به پایان آمد این دفتر» که پر از ابیات زیبای عربیه.

سومیش این که می‌تونی تا حدی خود ادبیات عربی رو هم بخونی، این قدر زیباست که نگم برات! از ادبیات کهنشون، ادبیات معاصرشون، شعرهایی که مردمش روی دیوارها می‌نویسن و معروفه به جداریات و ... مثلاً: «سلامٌ للذین أحبهم عبثاً: سلام بر آنان که بیهوده دوستشان داشتیم» یا «- کیف بنیت نفسک؟ - جرحاً علی جرح:» «چگونه خودت را ساختی؟ - زخم به زخم!» کنار این‌ها یه چیز دیگه رو هم یادت نره که هر زبان جدید، یه دنیای جدید!

اما خب، قرار نیس ما کنار گود بشینیم و فقط بگیم فلان کار رو بکن. تمام تلاشمونو کردیم که با تألیف یه کتاب خوب و جذاب، مسیر رو برات ساده کنیم. نوشتنش حدود یه سال و نیم طول کشید و مؤلفای خوبمون تلاش کردن تمام مطالب مورد نیاز شما برای تسلط کامل به مبحث عربی دهم رو در کتاب پوشش بدن. خانم زارعی گرامی و آقای اصغری عزیز ازتون ممنونم. تشکر می‌کنم از همکارانمون تو واحد تألیف کتاب‌های انسانی، خانم الهه آرانی و آقای سعید احمدپور که همیشه تلاش می‌کنن تا کتاب‌های انسانی با بهترین کیفیت به دست شما برسه.

و ممنونم از همکاران واحد تولید، بابت روحیه‌ی خستگی‌ناپذیر و زحمات مداومشون.



با سلام خدمت همکاران گرامی و دانش‌آموزان عزیز

کتابی که پیش روی شماست، جهت آمادگی برای شرکت در آزمون‌های کنکور سراسری تألیف شده است؛ البته از آنجایی که ساختار این کتاب به صورت درس‌به‌درس است، برای آمادگی در امتحانات مدرسه و کنکورهای آزمایشی نیز به راحتی قابل استفاده می‌باشد و می‌توانید با توجه به بودجه‌بندی آزمون مورد نظر، مباحث را انتخاب و مطالعه کنید. تلاش ما در این کتاب بر این بوده است که با بینش و رویکردی کاملاً متفاوت و مطابق با سبک کتاب‌های درسی جدید حرکت کنیم و مهارت دانش‌آموز را در یادگیری کامل مطالب درسی و پاسخ‌گویی به تست‌های کنکور بالا ببریم.

### معرفی بخش‌های مختلف کتاب در هر درس:

**۱- درس‌نامه:** بیان مطالب درسی به زبانی کاملاً ساده و روشن است و دارای مثال‌های کافی و متنوع می‌باشد. ضمن توجه به مطالب کتاب درسی، نکات کاربردی و کنکوری را به صورت کامل ذکر کرده‌ایم و تلاش نموده‌ایم بین مطالب کنکوری و کتاب درسی ارتباط مؤثری برقرار کنیم. در توضیح قواعد از جدول‌ها و نمودارهای مختلفی استفاده شده و بعد از بیان هر مطلب «نمونه تستی» مربوط به آن همراه پاسخ تشریحی ذکر شده است.

**۲- کارگاه ترجمه:** در پایان بخش قواعد هر درس، قواعد ترجمه مربوط به آن نیز تحت عنوان «کارگاه ترجمه» آورده شده است که دربردارنده مثال‌های کافی، نکات کنکوری ترجمه و نمونه‌های تستی است. به دانش‌آموزان عزیز توصیه می‌کنیم جهت تسلط بر تست‌های ترجمه، این بخش را نیز خیلی خوب مطالعه کنند.

**۳- ترجمه و بررسی جملات مهم درس:** در این بخش جملات مهم هر درس ترجمه شده و از منظر قواعدی که تا همان درس خوانده‌اید، مورد بررسی قرار گرفته است و نکات مهم کنکوری قواعد و ترجمه مربوط به آن نیز بیان شده است. مطالعه این بخش نیز در مهارت شما در پاسخ‌گویی به تست‌ها بسیار کمک‌کننده است.

**۴- واژه‌نامه:** تمام واژه‌های مهم به صورت درس‌به‌درس بیان شده است. این بخش محدود به واژه‌های متن نیست، بلکه شامل همه واژه‌های مهم درس می‌باشد. شکل مضارع و مصدر فعل‌ها بیان شده و به مطالب و نکات مهم واژگان نیز اشاره شده است.

**۵- کلمات مترادف و متضاد:** با توجه به این که این موضوع، هم در کتاب درسی و هم در تست‌های کنکور مورد توجه قرار گرفته است، کلمات مترادف و متضاد هر درس را جمع‌آوری کرده‌ایم.

**۶- جمع‌های مکتسر:** جمع‌های مکتسر نیز مانند مترادف و متضاد از اهمیت زیادی برخوردار است و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تست‌های کنکور مورد پرسش قرار می‌گیرد.

**۷- پرسش‌های چهارگزینه‌ای:** در این بخش تیپ‌های مختلفی از تست‌ها به تعداد کافی و به صورت طبقه‌بندی شده وجود دارد و شامل تست‌های کنکور سراسری سال‌های اخیر و تست‌های تألیفی بسیار قوی و منطبق با استانداردهای کنکور سراسری می‌باشد. هم‌چنین با توجه به وجود تست‌های تألیفی متنوعی که در این مجموعه وجود دارد، تیپ‌های مختلف سؤالاتی که در سال‌های آینده نیز ممکن است در کنکور طراحی شود، پوشش داده شده است. از مطالبی که در کتاب درسی حذف شده، سؤال داده نشده و تست‌ها کاملاً منطبق با کتاب درسی و کنکورهای جدید است. این بخش شامل تست‌های واژگان (مترادف، متضاد، جمع مکتسر، ...)، ترجمه (چهارعبارتی، تک‌عبارتی)، تعریف، مفهوم، درک مطلب و قواعد می‌باشد. در پایان تست‌های قواعد هر درس، چند تست «ضبط حرکات» هم داده شده تا دانش‌آموزان به تدریج با این نوع تست‌ها آشنا شوند.

**۸- پاسخ‌های تشریحی:** آن‌چه در پاسخ‌گویی به تست‌ها مورد نیاز و ضروری بوده کاملاً توضیح داده شده و به نکات و موارد مهم و دام‌های تستی اشاره شده است؛ همه گزینه‌ها بررسی شده و در موارد لازم ترجمه گزینه‌ها بیان شده است.

راهنمای استفاده از کتاب

قبل از پاسخ‌دادن به تست‌های قواعد در هر بخش، ابتدا درس‌نامه مربوط به آن‌ها را به طور کامل و دقیق مطالعه کنید؛ بدیهی است که پیش از پاسخ‌دادن به تست‌های ترجمه نیز لازم است بخش کارگاه ترجمه را با حوصله بخوانید و واژگان آن درس را به خاطر بسپارید.

دانش‌آموزان عزیز توجه داشته باشند قبل از این که کلید پاسخ را نگاه کنند، جهت یادگیری بهتر، ابتدا خودشان تست‌ها را حل کنند، سپس به بخش پاسخ مراجعه کنند و پاسخ خود را مقایسه و آموخته‌های خویش را تکمیل نمایند.

البته در شیوه مطالعه و دستورالعمل استفاده از کتاب، با توجه به شرایط خاص هر دانش‌آموز ممکن است دبیران محترم و مشاوران عزیز نظرات دیگری داشته باشند که قطعاً نظر آن اساتید بزرگوار در اولویت خواهد بود.

امیدواریم که تلاش ما در تألیف این کتاب در کنار تلاش شما عزیزان در مطالعه دقیق مطالب آن، در موفقیت شما عزیزان نتیجه‌بخش باشد.

در پایان، وظیفه خود می‌دانیم از همه عزیزانی که هر یک به نوعی ما را در این مسیر یاری نمودند، قدردانی کنیم:

همکاران محترم واحد تألیف، آقایان مهدی هاشمی، سعید احمدپور و خانم الهه آرانی

همکاران گرامی در واحد تولید

همکاران محترم در واحد ویرایش فنی

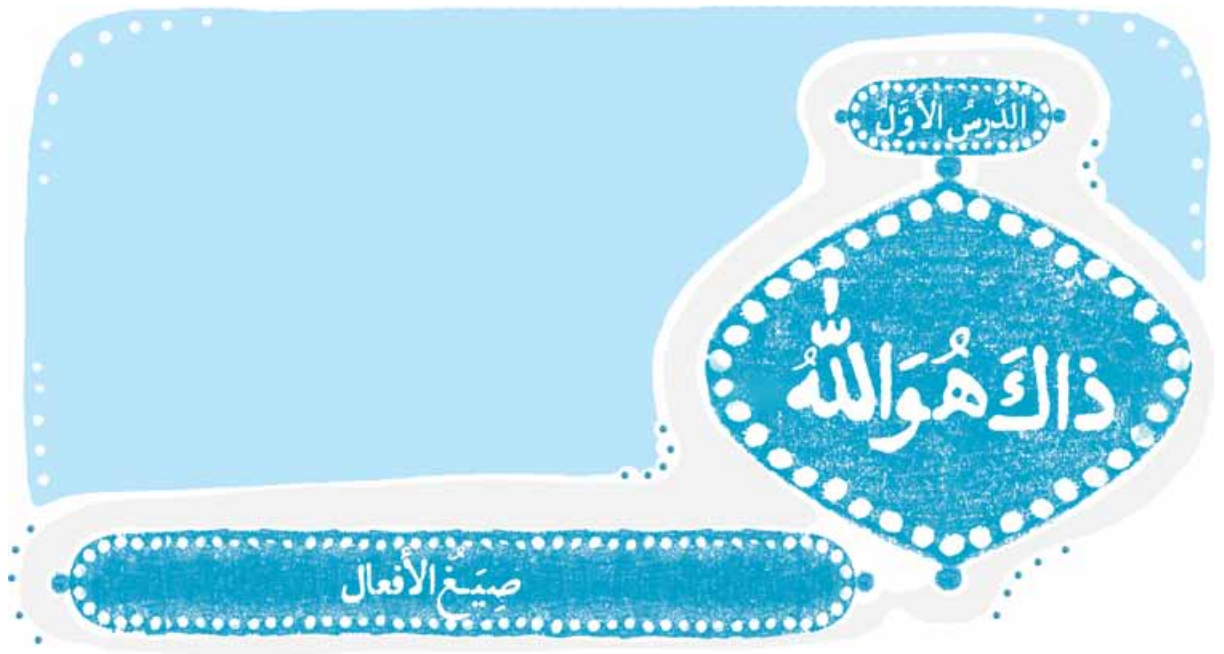
دوستان گرامی آقایان محمدعلی جنانی و مختار حسامی و همکار محترم سرکار خانم ملیحه یعقوبی‌زاده که برای ویراستاری این کتاب قبول زحمت نمودند و سایر عوامل و دست‌اندرکاران.

شاد و سربلند باشید.

مؤلفان

# فهرست

- ٧ ..... الدرس الأول: ذاك هو الله
- ٣٠ ..... الدرس الثاني: الحكيم مسؤولون
- ٤٦ ..... الدرس الثالث: مطر السماء
- ٦٢ ..... الدرس الرابع: التعاضد السلمي
- ٧٧ ..... الدرس الخامس: هذا خلق الله
- ٩٥ ..... الدرس السادس: المعالم الخلقة
- ١٠٨ ..... الدرس السابع: صناعة النفط
- ١٢٢ ..... الدرس الثامن: يا من في البحار عجايبه
- ١٣٦ ..... باعنامة تشریحی
- ١٨٣ ..... باعنامة لیلدی



## قواعد

دوستان، در این درس مهم‌ترین قواعدی را که در دوره متوسطه اول یاد گرفته‌اید، مرور و نکاتی را به آن اضافه می‌کنیم. سعی کنید برای قوی‌تر کردن پایه عربی خود به مطالب این درس کاملاً مسلط شوید.

### ۱- انواع کلمه: اسم، فعل، حرف

۱- **اسم:** واژه‌ای است که دلالت بر چیزی یا شخصی یا مفهومی دارد و در آن عنصر زمان وجود ندارد؛ مانند: حُسَيْن، شَجَرَة، تَلْفَاز (تلویزیون)، أَنْتُمْ (شما)، أَكَل (خوردن) و ...

۲- **فعل:** واژه‌ای است که دلالت بر انجام کاری یا روی دادن حالتی دارد و در آن حتماً عنصر زمان (گذشته، حال، آینده) وجود دارد؛ مانند: أَكَلُوا (خوردند)، يُنظَرُونَ (می‌نگرند)، جَالَسُوا (همنشینی کنید) و ...

۳- **حرف:** مقصود از حرف در این جا «حروف الفبایی» نیست؛ بلکه واژه‌هایی مانند مِن (از)، فِي (در)، إِنَّ (بی‌گمان)، لَوْ (اگر)، إِنْ (اگر)، أَنْ (که) و ... است که به همراه واژه یا واژه‌های بعد از خود، معنای جمله را تکمیل می‌کنند.

**مثال** رَكِبْنَا سَيَّارَةً لِنَذْهَبَ إِلَى قَرْيَتِنَا الْجَمِيلَةِ سَوَّارَ مَاشِينَةٍ شَدِيدٍ تَابَهُ رَوْسَتَايَ زِيَايْمَانَ بَرُويمَ.  
فعل اسم حرف فعل حرف اسم حرف حرف اسم



۱ هر واژه‌ای که در ابتدای آن «ال» یا در انتهای آن تنوین (ئِ) باشد، اسم است.

۲ به خاطر بسیاری؛ واژه‌های زیر «اسم» هستند:

◀ ضمائر؛ مانند: أَنْتَ، أَنَا، هُمْ، أَنْتُمْ، لِي و ...

◀ مصدرها؛ مانند: ذَهَاب (رفتن)، جُلُوس (نشستن)، تَعَلَّمَ (آموختن) و ...

◀ اسم‌های اشاره: هَذَا، هَذِهِ، هَذَانِ، هَاتَانِ، هَؤُلَاءِ، ذَلِكَ، تِلْكَ، أُولَئِكَ، هُنَا، هُنَاكَ

◀ اسم‌های موصول: الَّذِي، الَّتِي (کسی که / که)، الَّذَانِ، اللَّذَيْنِ، اللَّتَيْنِ (کسانی که / که)، الَّذِينَ، اللَّاتِي (کسانی که / که)، مَنْ (کسی که، کسانی که)، مَا (چیزی که)

◀ ادوات استفهام (کلمات پرسشی)؛ مانند: مَنْ (چه کسی؟)، مَا (چه چیز؟)، مَتَى (کی؟)، أَيْنَ (کجا)، كَيْفَ (چگونه؟)، كَمْ (چند؟) و ...

۳ بهترین راه تشخیص فعل، آشنایی با ساختار فعل ماضی، مضارع و امر است؛ چون هر فعلی قطعاً در یکی از این سه ساختار قرار دارد.

## ۲- اسم از نظر جنس: مذکر یا مؤنث

بحث مذکر و مؤنث در زبان عربی به «همه اسمها» مربوط می‌شود؛ در دنیای واقعی، مذکر (نربودن) و مؤنث (ماده‌بودن) مربوط به جانداران است؛ اما در دنیای زبان عربی، همه اسمها - حتی جامدات و مفاهیم - یا مذکر هستند یا مؤنث. به عنوان مثال واژه «کتاب» مذکر و «مِئْصَدَة» (میز) مؤنث است؛ بنابراین، فعل، ضمیر، صفت، اسم اشاره و ... برای اسم‌های مذکر به صورت مذکر و برای اسم‌های مؤنث به صورت مؤنث آورده می‌شود.

### تشخیص مذکر و مؤنث

حالا این سؤال مطرح می‌شود که در برخورد با یک اسم، چگونه تشخیص دهیم مذکر است یا مؤنث؟ اسم مؤنث معمولاً با علامت‌های تأنیث همراه است و مهم‌ترین علامت تأنیث «ة» می‌باشد؛ مانند: فاطمة، مُمَرَّضَة (پرستار)، قَرْيَة (روستا)، مُسَاعِدَة، قصیره و ...



۱- دقت کنید که علامت تأنیث «ة» است نه «ت»! بنابراین واژه‌هایی مانند «بیت، صُوت، مَوْت، نَبات (گیاه)، صامِت (ساکت) و ...» مذکر هستند نه مؤنث!

۲- برخی از اسمها علامت تأنیث ندارند، اما از معنای آن‌ها کاملاً مشخص است که مؤنث هستند؛ مانند: بِنْت (دختر)، اُمّ (مادر)، زینب، اُخت (خواهر) و ...

۳- در برخورد با اسم‌های جمع مکتسر باید به مفرد آن‌ها نگاه کنیم و سپس قضاوت کنیم که آیا مذکر است یا مؤنث؛ مثلاً «جُمَل» جمع مکتسر «جُمَلَة» است و مؤنث، و «إِخْوَة» (برادران) جمع مکتسر «أخ» است و مذکر. حالا شما بگویید واژه‌های «سُور، طَلَبَة، ظَلَمَة» کدام مذکر و کدام مؤنث است؟

### بیشتر بدانیم

- ◀ اسامی شهرها و کشورها نیز غالباً مؤنث به حساب می‌آیند؛ مانند: ایران، مشهد، کویت، ...
- ◀ تعدادی اسم وجود دارد که هرچند علامت تأنیث ندارند اما در زبان عربی مؤنث حساب می‌شوند و باید آن‌ها را به خاطر بسپاریم؛ واژه‌هایی مانند: عَیْن (چشم)، ید (دست)، رَجُل (پا)، شَمْس (خورشید)، اَرْض (زمین)، نَفْس (خود)، سَمَاء (آسمان)، ریح (باد)، بَئْر (چاه)، نار (آتش) و ... به این واژه‌ها اصطلاحاً «مؤنث معنوی» می‌گویند.
- ◀ یک قاعده بسیار پرکاربرد وجود دارد و آن این است که با «اسامی جمع غیرعاقل» همانند «مفرد مؤنث» برخورد می‌شود و برای آن‌ها اسم اشاره، ضمیر، فعل و ... در حالت مفرد مؤنث می‌آید؛ مثلاً می‌گوییم: هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي عَلَى الْأَرْضِ. در این مثال می‌بینید که برای «الأنهار» (رودها) که جمع مکتسر «النهر» است، اسم اشاره «هذه» و فعل «تجری» به صورت مؤنث آورده شده‌اند.

## مونه

کم اسماً مؤنثاً یوجد فی هذه العبارة؟ «ذاك هو الله الذي أنعمه منهنه / فصير الأرض به بعد اغبرار خصره»

(۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

پاسخ: گزینه «۴» دقت کنید واژه‌های «مُنْهَمِرَة» و «خَصْرَة» در اصل «مُنْهَمِرَة» و «خَصْرَة» هستند که به خاطر رعایت وزن شعری «ة» به صورت «ه» نوشته و خوانده می‌شود. پس اسم‌های مؤنث موجود عبارت‌اند از: ۱- اُنْعَم (جمع مکتسر «نعمة») ۲- الْأَرْض (مؤنث معنوی) ۳- مُنْهَمِرَة ۴- خَصْرَة.

## ۱- اسم از نظر تعداد: مفرد، مثنی، جمع

۱- مفرد: دلالت بر یک چیز یا یک نفر دارد؛ مانند: معلّمة (آموزگار)، الجوّال (تلفن همراه)، مَوْظَف (کارمند).

۲- مثنی: دلالت بر دو چیز یا دو نفر دارد؛ مانند: معلّمتان (دو معلّم)، الجوّالان (دو تلفن همراه)، مَوْظَفَین (دو کارمند). در ادامه با نحوه ساخت اسم مثنی آشنا می‌شوید.

۳- جمع: بر بیش از دو چیز یا دو نفر دلالت دارد؛ مانند: معلّمات (چند آموزگار)، العُصون (شاخه‌ها)، مَوْظَفون (کارمندان).

در عربی دو نوع جمع داریم: ۱- جمع سالم ۲- جمع مکتسر؛ در جمع سالم (که خود به دو نوع جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم تقسیم می‌شود)، به اسم مذکر و مؤنث، علائم جمع هر یک اضافه می‌شود؛ اما در جمع مکتسر علائم یا پسوندی به آخر واژه اضافه نمی‌شود، بلکه آن اسم کاملاً به هم می‌ریزد و آرایشی جدید به خود می‌گیرد. جمع‌های مکتسر معمولاً قاعده خاصی ندارند و باید به خاطر سپرده شوند. در جدول صفحه بعد ساختار و نحوه ساخت اسم‌های مثنی و انواع جمع ذکر شده است.

مثال			ساختار		مثلی
مَكْتَبَتَانِ	← مَكْتَبَةٌ	والِدَانِ	← وَاِلِدٌ	اِنْ	
مَكْتَبَتَيْنِ		وَالِدَيْنِ		اَيْنِ	
مُتَّهِمُونَ	← مُتَّهِمٌ	مُسْلِمُونَ	← مُسْلِمٌ	وَنْ	اسم مفرد مذکر +
مُتَّهِمِينَ		مُسْلِمِينَ		يَنْ	
مُصْرَفَةٌ ← مُصْرَفَاتٌ / صَدِيقَةٌ ← صَدِيقَاتٌ			اسم مفرد مؤنث + ات		جمع مؤنث سالم
			«ة» مؤنث در هنگام جمع بسته شدن حذف می شود.		
عَامِلٌ ← عَمَالٌ (کارگران) / طَبِيبٌ ← اطِبَاءٌ / نَجْمٌ ← نَجُومٌ، اُنْجُمٌ (ستارگان) / يَدٌ ← اَيْدِي (دستان)			قاعده خاصی ندارد و باید آن‌ها را حفظ کنیم.		مکسر

### مؤنث

#### عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) مثلی من «مؤمن» ← مؤمنين  
 (۲) جمع سالم من «عامل» ← عَمَالٌ  
 (۳) جمع سالم من «طبيبة» ← طبيبات  
 (۴) جمع مکسر من «شاعر» ← أشعار

#### بازرسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه (۱): علائم مثلی «ان / ين» هست؛ بنابراین «دو مؤمن» می شود: مؤمنان / مؤمنين. («مؤمنين» جمع مذکر سالم است).  
 گزینه (۲): «عَمَالٌ» جمع مکسر است!  
 گزینه (۴): «أشعار» جمع مکسر «شعر» است نه «شاعر»؛ جمع «شاعر» می شود «شُعراء».

توجه: وقتی بخواهیم اسم مؤنثی را که به «ة» ختم شده، جمع ببندیم و به آن «ات» اضافه کنیم، ابتدا «ة» آن را از آخرش حذف می کنیم و سپس «ات» را اضافه می کنیم؛ مثال: طبيبة ← طبيبات.

### مذکر

گفتیم مثلی و جمع مذکر سالم دارای پسوندهای «ان / ين» و «ون / ين» هستند؛ اما این که با کدام پسوند بیایند، بستگی به جایگاهشان در جمله دارد. (با این مبحث در درس ششم آشنا خواهید شد.)

همان طور که در جدول بالا می بینید، بعضی از اسم‌ها بیشتر از یک جمع مکسر دارند؛ مثال: عُصْنٌ ← عُصُونٌ، اَعْصَانٌ ← طَالِبٌ ← طَلَبَةٌ. اگر کلمه‌ای مانند «مُعَلِّمِينَ» آخرش حرکت گذاری نشده باشد، در این حالت باید به قرائن دیگر در جمله توجه کنیم تا بتوانیم تشخیص دهیم این کلمه مثلی (مُعَلِّمِينَ) است یا جمع مذکر سالم (مُعَلِّمِينَ)!

این مهم ترین نکته در این مبحث است: هر واژه‌ای که آخرش «ان»، «ين»، «ون» و «ات» بود، لزوماً مثلی، جمع مذکر سالم و یا جمع مؤنث سالم نیست. در واقع زمانی یک اسم، مثلی یا جمع مذکر سالم یا جمع مؤنث سالم است که دقیقاً این ساختار را داشته باشد: «اسم مفرد + پسوند». در خیلی از اسم‌ها علامت‌های ذکر شده جزء خود واژه است نه علامت مثلی، جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم. اکنون به این نوع اسم‌ها اشاره می کنیم:

ان ← واژه‌هایی مانند طَبِيران (پرواز)، عُمْرَان (آمرزش)، عَطْشَان (تشنه) و ... مفرد هستند و واژه‌هایی مانند اَدْبَان (دین‌ها)، اَلْوَان (رنگ‌ها)، اُدْهَان (ذهن‌ها) و ... جمع مکسر هستند.

ون ← واژه‌هایی مانند جُنُون (دیوانگی)، مَحْزُون (غمگین)، مَضْمُون (محتوا) و ... مفرد هستند و واژه‌هایی مانند دُيُون (قرض‌ها)، عُصُون (شاخه‌ها) و ... جمع مکسر هستند.

ين ← واژه‌هایی مانند مَساكين، مَضامين، قوانين و ... جمع مکسر هستند نه جمع مذکر سالم!

ات ← واژه‌هایی مانند اصوات، اموات، آبيات و اوقات جمع مکسر هستند نه جمع مؤنث سالم!



**عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:**

- ١) يَجِبُ أَنْ نَجْتَهِدَ لِلطَّيْرَانِ نَحْوَ الْكَمَالِ وَالرُّشْدِ: مَثَلِي مَذْكَرٌ
- ٢) لَا يَرْفَعُ الْأَوْلَادَ الْمُؤَدَّبُونَ أَصْوَاتَهُمْ أَمَامَ وَالِدَيْهِمْ: جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَوْثِقِ
- ٣) لَا تَطْرُدُ الْمُحْتَاجِينَ عِنْدَمَا يَسْأَلُونَ مِنْكَ شَيْئاً: جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَذْكَرِ
- ٤) نَشْمُ رَائِحَةَ الرِّيحِ فِي هَذِهِ الْحَدَائِقِ: جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَذْكَرِ

**بَسِّعْ** كَرِيْمَةً «٣» **بِرْرِسِي** سَائِرِ كَرِيْمَتِهَا:

«الطَّيْرَانِ» مصدر و مفرد، «أصوات» جمع مكسر «صوت» و «الرِّيحَيْنِ» جمع مكسر «الرِّيحَانِ» است.  
ترجمة كَرِيْمَتِهَا:

- كَرِيْمَةً (١): باید برای پرواز به سوی کمال و رشد تلاش کنیم.
- كَرِيْمَةً (٢): فرزندان مؤدب صداهايشان را در برابر پدر و مادرشان بالا نمی‌برند.
- كَرِيْمَةً (٣): نیازمندان را هنگامی که از تو چیزی می‌خواهند با تندی نران!
- كَرِيْمَةً (٤): بوی گیاهان خوشبو را در این باغ‌ها استشمام می‌کنیم.

**٢- اشنایی با اسامی اشاره**

اسم‌های اشاره دو نوع هستند: ١) اسامی اشاره به نزدیک ٢) اسامی اشاره به دور

اسم‌های اشاره به دور		اسم‌های اشاره به نزدیک	
مفرد مذکر	ذَلِكَ (آن)	مفرد مذکر	هَذَا (این)
مفرد مؤنث	تِلْكَ (آن)	مثنای مذکر	هَذَانِ / هَذَيْنِ (این‌ها)
جمع مذکر	أُولَئِكَ (آن‌ها)	جمع مذکر	هَؤُلَاءِ (این‌ها)
جمع مؤنث	أُولَئِكَ (آن‌ها)	مفرد مؤنث	هَذِهِ (این)
		مثنای مؤنث	هَاتَانِ / هَاتَيْنِ (این‌ها)
		جمع مؤنث	هَؤُلَاءِ (این‌ها)

اسم‌های اشاره به مکان: ١) هُنَا (این‌جا) ٢) هُنَاكَ (آن‌جا)

**نَظَر** «هُنَاكَ» در ابتدای جمله غالباً معنی «وجود دارد» می‌دهد؛ مثال: هُنَاكَ كِتَابٌ مَفِيدَةٌ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ: کتاب‌های مفیدی در کتابخانهٔ مدرسه وجود دارد.

**بیشتر بدانیم**

**لِکْتَه** همان‌طور که اشاره کردیم، با اسامی جمع غیرعاقل همانند «مفرد مؤنث» برخورد می‌شود؛ بنابراین برای اشاره به واژه‌هایی مثل «جبال، کُتُب، فُرَاشَات» (پروانه‌ها) و ... از اسم اشارهٔ مفرد مؤنث (هَذِهِ / تِلْكَ) استفاده می‌کنیم.

**مَثَل** هَذِهِ الْكُتُبُ. / تِلْكَ الْجِبَالُ. / هَذِهِ فُرَاشَاتُ. / تِلْكَ الصُّوَرُ



عَيِّن الخطأ في استعمال اسم الإشارة:

(١) أولئك سَيَّاحٌ مِن ألمانيا!

(٢) هؤلاء الذَّرر جميلة!

(٣) هذان الطَّفَلان ضاحكان!

(٤) تلكَ بنتٌ ذَكِيَّة!

«بَلغ» گزینه «٢» الذَّرر (جمع مكسر «الذَّرر»: مروارید)، جمع غیرعاقل است و برای آن باید از اسم اشاره مفرد مؤنث استفاده کنیم: هذه الذَّرر!

٥- ادوات استفهام

ادوات استفهام همان کلمات پرسشی هستند که برای پرسش از چیزی استفاده می‌شوند. مهم‌ترین ادوات پرسشی به همراه توضیحات در جدول زیر آمده است.

ادوات استفهام	معنی	توضیح	مثال
أ / هل	آیا؟	◀ برخلاف بقیه ادوات استفهام که اسم هستند، این دو «حرف» اند. ◀ در جواب آن‌ها از «لا» و «نعم» استفاده می‌شود.	- أ سمعتَ ما قُلْتَهُ لِك؟ آیا آن چه را که به تو گفتم شنیدی؟ - هل تُساعدُنِي في عملي هذا؟ آیا در این کارم به من کمک می‌کنی؟
مَن	چه کسی؟ چه کسانی؟	برای پرسش از انسان به کار می‌رود.	- مَن يُرافقُكُم في هذا السَّفَر؟ چه کسی در این سفر شما را همراهی می‌کند؟
ما / ماذا	چه؟ چه چیز؟ چه چیزهایی؟ چیست؟	برای پرسش از غیر انسان به کار می‌رود.	- ما هي أهدافُك للمستقبل؟ اهدافت برای آینده چیست؟
لِمَا / لِمَ	برای چه؟	◀ برای سؤال از علت کاری به کار می‌رود. ◀ «لِمَ» مخفف «لِما» است.	- لِمَ (= لماذا) تُساعدُ الآخرين؟ چرا به دیگران کمک می‌کنی؟
بِمَ	با چه چیز؟	«بِمَ» در اصل همان «بِما» است که مخفف شده است.	- بِمَ تذهبُ إلى مدرستك؟ با چه چیز به مدرسه‌ات می‌روی؟
أينَ	کجا؟	برای پرسش از جا و مکان به کار می‌رود.	- أينَ وَصَعَتِ المفاتيحُ؟ کلیدها را کجا گذاشتی؟
مَتى	چه وقت؟ کی؟	برای پرسش از زمان وقوع فعلی به کار می‌رود.	- متى تنتهي من عملك؟ کی کارت را تمام می‌کنی؟
كيفَ	چگونه؟ چه‌طور؟	برای پرسش از حال کسی یا چیزی و چگونگی وقوع فعل به کار می‌رود.	- كيفَ الجَوُّ في مدينتك؟ هوا در شهر شما چگونه است؟
أَيَّ	کدام؟	برای پرسش از چیزی یا کسی به کار می‌رود.	- أَيَّ مهنةٍ تُحِبُّ؟ کدام شغل (چه شغلی) را دوست داری؟
كَمْ	چند؟ چه مقدار؟ چه قدر؟	برای پرسش از مقدار و اندازه یک چیز به کار می‌رود.	- كمَ المسافةُ من طهران إلى قم؟ فاصله از تهران تا قم چه قدر است؟
لِمَن	برای کیست؟ برای چه کسی؟ مال کیست؟	برای پرسش از مالکیت به کار می‌رود.	- لِمَن هذا الجَوَّال؟ این موبایل مال کیست؟

## ۶- حروف اصلی و وزن کلمات

**حروف اصلی:** حروف اصلی حروفی هستند که اساس یک فعل یا اسم را تشکیل می‌دهند و در تمامی صیغه‌ها یا واژه‌های هم‌خانواده آن وجود دارند. به حروف اصلی فعل، «ریشه» یا «ماده فعل» هم می‌گویند. بسیاری از کلمه‌ها در زبان عربی دارای سه حرف اصلی هستند. به عنوان مثال در کلمات «عَرَفْتُمْ، نَعَرِفُ، نَعَارِفُوا، يُعَرِّفَانِ، نَتَعَرَّفُ، عَارِفٌ، مَعْرُوفٌ، عُرْفَاءٌ، مَعَارِفٌ» سه حرف «ع ر ف» که در همه آن‌ها مشترک بوده و به ترتیب تکرار شده‌اند، حروف اصلی هستند.

و یا در کلمات «عَمِلْتُمْ، عَمِلْتُمْ، عَمِلُوا، يَتَعَمَّلُونَ، اِسْتَعْمَلْنَا، عَمَلٌ، مَعْمُولٌ، عَوَامِلٌ و ...» سه حرف «ع م ل» حروف اصلی می‌باشند. به حروفی که در کلمه جزء حروف اصلی نیستند، حروف زائد می‌گویند.

تشخیص حروف اصلی یا ریشه کلمه بسیار ضروری است و به شناخت درست وزن یک فعل و یا اسم کمک می‌کند.

**روش پیدا کردن وزن کلمه:** بیشتر کلمات در عربی وزن دارند. برای به دست آوردن وزن یک کلمه به جای حروف اصلی آن، به ترتیب سه حرف «ف ع ل» را می‌گذاریم و بقیه حروف و حرکات همان‌گونه که هستند می‌آیند.

**مثال** يَنْصُرُونَ ← يُعْمَلُونَ / مَنْصُور ← مَفْعُول / عُلَمَاء ← فُعَلَاء / تَتَعَلَّمُونَ ← تَتَفَعَّلُونَ

## ۷- آشنایی با صیغه‌ها و ضمائر

همان‌طور که می‌دانید در زبان عربی، مذکر و مؤنث و هم‌چنین مثنی وجود دارد و این باعث شده است تعداد صیغه‌های (ساخت‌های) عربی بسیار بیشتر از فارسی باشد. در جدول زیر صیغه‌های عربی به همراه ضمائر آن‌ها آورده شده است:

نام صیغه	نام صیغه به عربی	ضمیر منفصل	ضمیر متصل
اول شخص مفرد	متکلم وحده	للمتکلم وحده	أنا: من (مرد یا زن) سی
دوم شخص مفرد	مفرد مذکر مخاطب	للمخاطب	أنت: تو (یک مرد) كَ
	مفرد مؤنث مخاطب	للمخاطبة (للمخاطب + ة)	أنت: تو (یک زن) كِ
سوم شخص مفرد	مفرد مذکر غایب	للغائب	هو: او (یک مرد) هـ
	مفرد مؤنث غایب	للغائبة (للغائب + ة)	هي: او (یک زن) هـا
اول شخص جمع	متکلم مع الغير	للمتکلم مع الغير	نحن: ما (بیشتر از یک نفر، مرد یا زن) نـا
دوم شخص جمع	مثنای مذکر مخاطب	للمخاطبين (للمخاطب + ین)	أنتم: شما (دو مرد) کـما
	مثنای مؤنث مخاطب	للمخاطباتين (للمخاطب + ت + ین)	أنتم: شما (دو زن) کـما
	جمع مذکر مخاطب	للمخاطبين (للمخاطب + ین)	أنتم: شما (چند مرد) کـم
	جمع مؤنث مخاطب	للمخاطبات (للمخاطب + ات)	أنتن: شما (چند زن) کـنن
سوم شخص جمع	مثنای مذکر غایب	للغائبين (للغائب + ین)	هم: آن‌ها (دو مرد) هـما
	مثنای مؤنث غایب	للغائبات (للغائب + ت + ین)	هم: آن‌ها (دو زن) هـما
	جمع مذکر غایب	للغائبين (للغائب + ین)	هم: آن‌ها (چند مرد) هـم
	جمع مؤنث غایب	للغائبات (للغائب + ات)	هن: آن‌ها (چند زن) هـنن

**نوخه** غایب، مخاطب و متکلم در عربی به ترتیب معادل «سوم شخص»، «دوم شخص» و «اول شخص» در زبان فارسی است.



## ● فعل ماضی

فعل ماضی فعلی است که در زمان گذشته انجام شده یا به وقوع پیوسته است. در زبان عربی هر فعلی ریشه‌ای دارد که به آن، حروف اصلی می‌گویند. این حروف در تمام صیغه‌ها وجود دارند و برای ساختن صیغه‌های مختلف در فعل ماضی، نشانه یا علامتی به انتهایشان اضافه می‌شود. **نوعه** به حرف اصلی اول «فاءالفعل»، به حرف اصلی دوم «عینالفعل» و به حرف اصلی سوم «لامالفعل» می‌گویند. در جدول زیر ساختار و شکل ثابت ۱۴ صیغه فعل ماضی به همراه مثال آورده شده است.

نام صیغه	ضمیر منفصل	ساختار فعل ماضی	مثال
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ (متکلم و حده)	أَنَا	ـَـتْ	ذَهَبْتُ (رفتم)
لِلْمُخَاطَبِ (مفرد مذکر مخاطب)	أَنْتَ	ـَـتْ	ذَهَبْتَ (رفتی)
لِلْمُخَاطَبَةِ (مفرد مؤنث مخاطب)	أَنْتِ	ـِـتْ	ذَهَبْتِ (رفتی)
لِلغَائِبِ (مفرد مذکر غایب)	هُوَ	ـَـ	ذَهَبَ (رفت)
لِلغَائِبَةِ (مفرد مؤنث غایب)	هِيَ	ـَتْ	ذَهَبَتْ (رفت)
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ (متکلم مع الغیر)	نَحْنُ	ـْنَا	ذَهَبْنَا (رفتیم)
لِلْمُخَاطَبِينَ (مثنای مذکر مخاطب)	أَنْتُمَا	ـْتُمَا	ذَهَبْتُمَا (رفتید)
لِلْمُخَاطَبَاتِينَ (مثنای مؤنث مخاطب)	أَنْتُمَا	ـْتُمَا	ذَهَبْتُمَا (رفتید)
لِلْمُخَاطَبِينَ (جمع مذکر مخاطب)	أَنْتُمْ	ـْتُمْ	ذَهَبْتُمْ (رفتید)
لِلْمُخَاطَبَاتِ (جمع مؤنث مخاطب)	أَنْتُنَّ	ـْتُنَّ	ذَهَبْتُنَّ (رفتید)
لِلغَائِبِينَ (مثنای مذکر غایب)	هُمَا	ـَا	ذَهَبَا (رفتند)
لِلغَائِبَاتِينَ (مثنای مؤنث غایب)	هُمَا	ـَا	ذَهَبَتَا (رفتند)
لِلغَائِبِينَ (جمع مذکر غایب)	هُمْ	ـُوا	ذَهَبُوا (رفتند)
لِلغَائِبَاتِ (جمع مؤنث غایب)	هُنَّ	ـُنَّ	ذَهَبْنَ (رفتند)

۱ از صیغه «لِلغَائِبَاتِ» به بعد، لامالفعل در فعل ماضی همواره ساکن است.

۲ در صیغه‌های مخاطب، انتهای فعل‌ها با انتهای ضمیرشان یک شکل است: أَنْتَ ذَهَبْتَ / أَنْتُمَا ذَهَبْتُمَا / ...

۳ حرکت عینالفعل (حرف اصلی دوم) در فعل‌های ماضی مختلف به صورت‌های متفاوت می‌آید؛ مثال: جَلَسَ - عَلِمَ - قَرَّبَ.

## ● شیوه منفی کردن فعل ماضی

فعل ماضی با «ما» منفی می‌شود؛ مثال: ضَجَّكُنَا (خندیدیم) ← ما ضَجَّكُنَا (نخندیدیم).

## ● فعل مضارع

فعل مضارع فعلی است که دلالت بر انجام کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دارد. برای ساخت صیغه‌های مختلف مضارع، نشانه یا علامتی به ابتدا و انتهای حروف اصلی اضافه می‌شود.

الكلمات المتبادلة

مَرء = إنسان (انسان)	شُرور = فَرَح (شادی)	بَصْر = عَین (چشم، دیده)
مُجْتَهَد = مُجِدّ = ساعی (کوشا)	صَارَتْ = أَصْبَحَتْ (شد، گردید)	جَذْوَة = شَرَزَة (پاره آتش)
نور = ضیاء (روشنایی، نور)	عُدوان = عداوة (دشمنی)	خُسْران = ضَرَر (زیان، ضرر)
سَاعَدَ = نَصَرَ (یاری کرد)	عَیْم = سَحَاب (ابر)	ذات = صَاحِبَة (صاحب، دارا)
	فَائِز = نَاجِح (موفق، پیروز)	زَقَدَ = نام (خوابید)

الكلمات المتضادة

كثیر (زیاد) ≠ قَلیل (کم)	زَرَع (کاشت) ≠ حَصَدَ (درو کرد)	أرض (زمین) ≠ سَمَاء (آسمان)
لَیْل (شب) ≠ نَهَار (روز)	صَبَاح (صبح) ≠ لَیْل (شب)	أرَادِل (فرومایگان) ≠ أَفَاضِل (شایستگان)
مَمْنوع (ممنوع) ≠ مَسْمُوح (مجاز)	ضیاء (روشنایی) ≠ ظَلَمَة (تاریکی)	أَبیض (سفید) ≠ أَسْوَد (سیاه)
مُجْتَهَد (کوشا) ≠ كَسْلان (تنبل)	ضاحك (خندان) ≠ باكي (گریان)	إسْأَل (پرس) ≠ أَجِبْ (جواب بده)
نَهَايَة (پایان) ≠ بَدَايَة (آغاز)	عُدوان (دشمنی) ≠ صَدَاقَة (دوستی)	بَیْع (فروختن) ≠ شِراء (خریدن)
نَهَضَ (برخاست) ≠ جَلَسَ (نشست)	عَدُوّ (دشمن) ≠ صَدِيق (دوست)	تَعِيشُ (زندگی می کنی) ≠ تَمُوتُ (می میری)
يَسَار (چپ) ≠ يَمِين (راست)	غالي (گران) ≠ رَخيص (ارزان)	حَقّ (حق) ≠ باطل (باطل)
يَنْفَعُ (سود می رساند) ≠ يَضُرُّ (ضرر می رساند)	عَدَا (فردا) ≠ أَمْسِ (دیروز)	حَزِين (ناراحت) ≠ مَسرور (شاد)
يُخْرِجُ (خارج می کند، درمی آورد) ≠ يُدْخِلُ (داخل می کند)	قَبِيح (زشت) ≠ جَمِيل (زیبا)	دنيا (دنیا) ≠ آخِرَة (آخرت)
	قَرِيب (نزدیک) ≠ بَعِيد (دور)	ذَهَبَ (رفت) ≠ جَاءَ (آمد)
	قَصِير (کوتاه) ≠ طَوِيل (بلند)	رَاسِب (مردود) ≠ نَاجِح (موفق، قبول)

الجموع المكسرة

حُرُوف ← حَرَف (حرف)	أَلوان ← لَوْن (رنگ)	أَحاديث ← حَديث (حديث، سخن)
دُزَر ← دُز (مروارید)	أَنْجُم ← نَجْم (ستاره)	أَبواب ← باب (در)
دُروس ← دَرَس (درس)	أَنْعَم ← نِعْمَة (نعمت)	أَحجار ← حَجَر (سنگ)
عَقَارِب ← عَقْرَب (عقربۀ ساعت)	أَيام ← يَوْم (روز)	أرَادِل ← أَرْدَل (بست تر، فرومایه تر)
عُصون ← عُصْن (شاخه)	تَرَكيب ← تَرْكيب (ترکیب)	أَصْدِقاء ← صَدِيق (دوست)
مَلابِس ← مَلْبَس (لباس، جامه)	جِبَال ← جَبَل (کوه)	أَفْضِل ← أَفْضَل (شایسته تر، برتر)
	جُمَل ← جُمْلَة (جمله)	أَفْعال ← فِعْل (فعل، کار)

برسش های چهارگزینه ای

واژگان

- ۱- عَيِّن الخَطَأَ في تَرْجَمَة اللُّغَاتِ المَعَيَّنَة:
- (۱) المؤمنون لا يَتَّبِعُونَ مِن رَحْمَةِ اللَّهِ. ← ناامید نمی شوند  
 (۳) عندما دَخَلَتْ المَدِيرَة، لا تَجَلِسِي على الكُرْسِيِّ. ← ننشین
- ۲- عَيِّن الصَّحِيحَ في تَرْجَمَة المَفْرَدَات:
- (۱) حَبَّة: دوست داشتن  
 (۲) ذَاكَ: این  
 (۳) ذات: دارای  
 (۴) قُل: گفت
- ۳- عَيِّن الخَطَأَ في تَرْجَمَة المَفْرَدَات:
- (۱) بَطَّارِيَة: باتری  
 (۲) فَرِيضَة: واجب دینی  
 (۳) مُفْتَكِرَة: اندیشمند  
 (۴) جَذْوَة: جاذبه

٤- عَيِّن الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الكَلِمَاتِ المَعْيَنَةِ: ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الآخِرِينَ﴾

- (١) قرار داد - زبان راستگو - آيندگان  
(٢) قرار بده - راستگويي زبان - ديگران  
(٣) قرار بده - ياد نيکو - آيندگان  
(٤) قرار داد - زبان نيکو - ديگران

٥- عَيِّن ما فِيهِ كَلِمَةٌ لا تُناسِبُ الأخرى فِي المَعْنَى:

- (١) غَيْمٌ - مَطَارٌ - سَحَابٌ - بَحَارٌ (٢) أَسْوَدٌ - أبيضٌ - أَحْمَرٌ - أَصْفَرٌ (٣) قمرٌ - شمسٌ - نَجْمٌ - كَوْكَبٌ (٤) حَبَّةٌ - شَجَرَةٌ - عُصْنٌ - وَرَقٌ

٦- عَيِّن الخَطَأَ حَسَبَ التَّوْضِيحَاتِ:

- (١) قِطْعَةٌ مِنَ التَّارِ ذاتُ حَرَارَةٍ و ضيَاءٍ. ← الجَدْوَةُ  
(٢) هُمُ الَّذِينَ يَأْخُذُونَ الجَوَائِزَ الذَّهَبِيَّةَ فِي المَسَابِقَاتِ. ← الرابسون  
(٣) عُرْفَةٌ طَوِيلَةٌ كَبِيرَةٌ فِي المَطَارِ يَنْتَظِرُ فِيهَا المَسافِرُونَ. ← القَاعَةُ  
(٤) عَضُوٌّ مِنَ أَعْضَاءِ الشَّجَرَةِ تَنمو أَوْراقُها عَلَيْهِ. ← العُصْنُ

٧- «هَلْ سافرت إلى إيران حتى الآن؟ لا، .....!». عَيِّن المُناسِبَ لِلْفَرَاغِ:

- (١) مع الأسف (٢) إلى اللقاء (٣) مع السلامة (٤) إن شاء الله

٨- عَيِّن المُناسِبَ لِلْفَرَاغَيْنِ: «إِنَّ القَمَرَ ..... حَوْلَ الأَرْضِ و يَأْخُذُ ..... مِنْ الشَّمْسِ!»

- (١) يَدورُ - ظِلَامٌ (٢) يَدورُ - ضيَاءٌ (٣) يَنْزِلُ - شَرَرَةٌ (٤) يَنْمو - خَضِرَةٌ

٩- عَيِّن العبارةَ الَّتِي عَدَدُ المْتَضاداتِ فِيها أَكْثَرُ:

- (١) إذا مَلَكَ الأَرادِلُ هَلَكَ الأَفاضِلُ!  
(٢) مَنْ زَرَعَ العُدوانَ حَصَدَ الخُسْرانَ!  
(٣) الكَلَامُ كالأَدْوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ و كَثِيرُهُ قاتِلٌ!  
(٤) عداوةُ العاقِلِ خَيْرٌ مِنَ صَداقَةِ الجاهِلِ!

١٠- عَيِّن الخَطَأَ عَن مُترادِفِ الكَلِمَاتِ المَعْيَنَةِ:

- (١) إَجْعَلْ هذِهِ الرِّجاجةَ فِي مَكانِها المُناسِبِ. ← ضَعُ  
(٢) الطالِبُ المُجْتَهِدُ يَنْجَحُ فِي امْتِحاناتِ آخِرِ السَّنَةِ. ← الساعِي  
(٣) المَكْتَبَةُ الرِّئيسِيَّةُ فِي نِهايَةِ هذِهِ الشَّارِعِ. ← بَدايَةُ  
(٤) يَحْضُدُ الفَلَّاحُ المَحْصولَ تَحْتَ الشَّمْسِ المَسْتَعِرَةِ. ← الزارِعُ

١١- عَيِّن الخَطَأَ فِي الكَلِمَاتِ المْتَضادَةِ:

- (١) بَيْعٌ ≠ شِراءٌ (٢) قَبِيحٌ ≠ جَميلٌ (٣) بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ (٤) مُفْتَكِرَةٌ ≠ مُقْتَدِرَةٌ

١٢- عَيِّن الخَطَأَ فِي مُترادِفِ الكَلِمَاتِ:

- (١) أَصْواءُ الشَّمْسِ ذاتُ حَرارَةٍ. ← أنوار  
(٢) جَدْوَةُ الشَّمْسِ مُسْتَعِرَةٌ. ← شَرَرَةٌ  
(٣) اِنْتَشَرَ العَيْمُ فِي السَّمَاءِ. ← السحاب  
(٤) أَوْجَدَ العامِلُ فِي الأَرْضِ بئراً. ← حَفَرَ

١٣- عَيِّن الخَطَأَ عَن المُترادِفِ و المْتَضادِ:

- (١) نَجْمٌ = كَوْكَبٌ (٢) شَقٌّ = جَهَزٌ (٣) رَخيصٌ ≠ غاليٌ (٤) يَسارٌ ≠ يَمِينٌ

١٤- أَيُّ عِبارَةٍ لا تُشتمِلُ عَلى الجَمعِ المُكسَّرِ؟

- (١) نَحْنُ اليَوْمَ قَراناً عَفارِبَ الساعاتِ بِالعَرَبِيَّةِ!  
(٢) أولئك الصالحون يجتمعون في المسجد لعباداتهم!  
(٣) أنظروا إلى تلك الدرر الجميلة في الليل!  
(٤) هذا الشاعر عراقي وله آثار رائعة في النثر والشعر!

١٥- عَيِّن الخَطَأَ حَوْلَ مُفردِ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

- (١) أنعم: نعم (٢) أنجم: نجم (٣) أحجار: حجر (٤) أمطار: مطر

١٦- عَيِّن الصَّحِيحَ حَوْلَ الكَلِمَةِ الَّتِي أُشيرَ إِلَيْها بِخَطٍّ: «مَنْ زَرَعَ العُدوانَ حَصَدَ الخُسْرانَ!»

- (١) مُرادِفُهُ «عداوة» (٢) جَمَعُهُ «أعداء» (٣) مُفردُهُ «عدو» (٤) مُضادُّهُ «أصدقاء»



١٧- «اعْمَلْ لِدُنْيائِكَ كَأَنَّكَ تَعيشُ أبداً و اعمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَموتُ عَداً!»:

- (١) برای دنیای خود به گونه‌ای تلاش کن که همواره زنده بمانی و برای آخرت به گونه‌ای کار کن که فردا شاید بمیری!  
(٢) برای دنیایت چنان کار می‌کنی که همیشه زنده بمانی و برای سرای آخرت چنان کار می‌کنی که فردا می‌میری!  
(٣) برای دنیای خود به گونه‌ای تلاش کن گویی تا ابد زنده می‌مانی و برای آخرت چنان تلاش کن که فردا خواهی مُرد!  
(٤) برای دنیایت چنان کار کن که گویی همیشه زندگی می‌کنی و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا می‌میری!

١٨- «إِنَّها نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ و صارتَ شَجَرَةً خَضراءَ ذاتِ فواكِهَ كَثيرةٍ!»:

- (١) آن از دانه کوچکی رشد کرد و درختی سرسبز و دارای میوه‌هایی فراوان شد!  
(٢) آن از دانه‌های کوچک رشد کرد و تبدیل به درخت شادابی شد که میوه‌هایی فراوان داشت!  
(٣) بدون شک آن هسته کوچکی رشد می‌کند و درختی سرسبز با دانه‌هایی فراوان به وجود می‌آورد!  
(٤) قطعاً از دانه کوچکی رشد می‌کند و دارای میوه فراوان و درختی سرسبز می‌گردد!

- ۱۹- «في المطار قد كتبوا على لوحه كبيرة: ادخلوا من اليمين واخرجوا من اليسار!»:
- ۱) در فرودگاه روی یک تابلوی بزرگ نوشته‌اند: از راست وارد شوید و از چپ خارج شوید!
  - ۲) در فرودگاه روی تابلویی بزرگ می‌نوشتند: از راست وارد شده و از چپ خارج می‌شوید!
  - ۳) در موزه روی یک تابلوی بزرگ نوشتند: از چپ وارد شوید و از راست خارج شوید!
  - ۴) بر روی یک تابلوی بزرگ در یک ایستگاه نوشته‌اند: از راست وارد شوید و از چپ خارج شوید!
- ۲۰- «ذلك هو الله الذي خلق في السماء الشمس مثل النشرة و اوجد في الليل قمره!»:
- ۱) آن همان خدایی است که خورشید را در آسمان همچون آتش و ماه را در شب به وجود آورد!
  - ۲) این همان خداوندی است که در آسمان خورشید را مانند پاره آتش و در شب ماهش را قرار داد!
  - ۳) آن همان خدایی است که در آسمان خورشید را همچون پاره آتش آفرید و در شب ماهش را پدید آورد!
  - ۴) او همان پروردگاری است که آفرید در آسمان شعله آتش را و در شب ماه را پدید آورد!
- ۲۱- «أعلن المدبر: ساعة الدخول إلى الشركة تكون السابعة إلا ربعاً و الخروج منها الثالثة و الربع!»: مدير اعلام کرد: .....
- ۱) ساعت ورود به شرکت هفت و ربع و خروج از آن یک ربع به سه است!
  - ۲) ساعت ورود به شرکت یک ربع به هفت و خروج از آن سه و ربع می‌باشد!
  - ۳) ساعت حضور در شرکت هفت و چهل و پنج دقیقه و خروج از آن سه و ربع است!
  - ۴) ساعت وارد شدن به شرکت یک ربع به هفت و خروج از آن یک ربع به سه است!
- ۲۲- «لا تنظروا إلى كثرة صلاة الناس و صومهم ولكن انظروا إلى صدق الحديث و أداء الأمانة!»:
- ۱) به نماز زیاد مردم و روزه‌شان ننگرید ولی به گفتار درست و به جای آوردن امانت آن‌ها بنگرید!
  - ۲) به فراوانی نماز و روزه‌ایشان نگاه نکنید بلکه راست‌کرداری و امانتداری آن‌ها را ببینید!
  - ۳) زیادی نماز و روزه مردم را نمی‌بینید ولی زیادی راستگویی و درستکاری را می‌بینید!
  - ۴) به فراوانی نماز مردم و روزه‌شان نگاه نکنید بلکه به راستی گفتار و امانتداری نگاه کنید!
- ۲۳- «جدوة الشمس مستعرة و ضياؤها و حرازتها منتشرة أيضاً!»:
- ۱) شعله‌های آتش خورشید، فروزان و شراره و حرارتش پخش و پراکنده است!
  - ۲) پاره آتش خورشید فروزان است و روشنایی آن و گرمایش هم پراکنده است!
  - ۳) شراره‌های خورشید درخشان است و نورها و گرمایش هم پراکنده می‌گردد!
  - ۴) شراره خورشید درخشان است و روشنایی و گرمایش پخش شده است!
- ۲۴- «قل للمريض أن يأكل دواءه ثلاث مرات في هذه الساعات: السابعة إلا ربعاً، الثالثة و النصف و الحادية عشرة و الربع!»:
- ۱) به بیمار گفت دارویش را سه بار در این ساعت‌ها بخورد: هفت و ربع، سه و نیم و یازده و ربع!
  - ۲) به مریض بگو دارویش را سه بار در این ساعت‌ها بخورد: یک ربع به هفت، سه و نیم و یازده و ربع!
  - ۳) به بیمار بگو دارویش را سومین بار در این ساعت بخورند: یک ربع به هفت، دو و نیم و یک ربع به یازده!
  - ۴) به مریض بگو دارو را دفعه سوم در این ساعت بخورد: شش و چهل و پنج دقیقه، سه و نیم و ده و چهل و پنج دقیقه!
- ۲۵- «زان الله العصور النضرة لأشجار حديقتنا بالأزهار الحمراء في هذه السنة!»:
- ۱) در این سال خداوند شاخه‌های سرسبز درختان باغچه ما را با گل‌های قرمز زینت می‌دهد!
  - ۲) خداوند امسال شاخه‌های درخت تروتازه باغمان را با گل‌های قرمز مزین کرد!
  - ۳) خداوند شاخه‌های سرسبز درختان این باغ را با گل‌های قرمز زینت داد!
  - ۴) خداوند امسال شاخه‌های تروتازه درختان باغمان را با گل‌های قرمز زینت داد!
- ۲۶- «تسقى الحبة التي تزرعها الأرض و تخرج منها لتصبح نباتاً أخضراً!»:
- ۱) دانه‌ای که آن را می‌کاریم، زمین را می‌شکافد و از آن خارج می‌شود تا گیاه سبزی شود!
  - ۲) دانه‌ای که آن را کاشتیم، زمین را شکافت و از آن خارج شد تا گیاه سبزی شود!
  - ۳) دانه‌هایی را که زمین را می‌شکافند، می‌کاریم تا با خارج شدن از آن گیاهانی سرسبز شوند!
  - ۴) دانه‌ای که در زمین می‌کاریم، آن را می‌شکافد و از آن خارج می‌شود تا به گیاهی تروتازه تبدیل شود!
- ۲۷- «قد اوجد الله القمر و الكواكب ليخرج الأرض من الظلمة عند الليل!»:
- ۱) خداوند ماه و ستارگان را پدید آورده است تا زمین را در هنگام شب از تاریکی بیرون آورد!
  - ۲) خداوند ماه و ستاره را به وجود آورد تا تاریکی زمین را به هنگام شب از بین ببرد!
  - ۳) ماه و ستارگان به دستور خدا به وجود آمده‌اند تا زمین را از تاریکی‌های شب خارج کنند!
  - ۴) خدا کسی است که ماه و ستاره‌ها را به وجود می‌آورد تا زمین را از تاریکی‌های شب درآورد!

۲۸- «جَهَّزَتْ أَمْرِيكَ بَعْضَ الْبُلْدَانِ بِأَسْلِحَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحَةٍ بِسَبَبِ الْعُدْوَانِ عَلَيَّ إِيرَان!»:

- (۱) آمریکا برخی کشورها را به سلاح‌هایی ممنوعه مجهز کرد تا علیه ایران دشمنی کند!
- (۲) آمریکا به علت دشمنی با ایران، تجهیزات سلاح‌های غیرمجاز برخی کشورها را افزود!
- (۳) آمریکا به سبب دشمنی کردن علیه ایران، برخی کشورها را به سلاح‌هایی غیرمجاز مجهز کرد!
- (۴) آمریکا به خاطر دشمن بودن با ایران سلاح‌های غیرمجاز برخی کشورها را مجهز می‌کند!

۲۹- «إِشْتَدَّتْ الرِّيحُ فِي ثَلَاثِ مَحَافِظَاتٍ جَنُوبِيَّةٍ وَ زَادَتْ عَلَيَّ اغْبِرَارٍ مُدْنِيهَا!»:

- (۱) با شدت گرفتن باد در سه استان جنوبی بر غبارآلودگی هوای شهرها افزوده شد!
- (۲) باد در سه استان جنوبی شدت گرفت و بر غبارآلودگی شهرهای آن افزود!
- (۳) باد در سه استان جنوبی شدت می‌گیرد و بر غبارهای شهرهای آن افزوده می‌شود!
- (۴) در سه شهرستان جنوبی کشور، باد شدت گرفت و سپس تیره‌رنگی شهرهای آن افزایش یافت!

۳۰- «تَبَحُّ قَدْرَةُ الْبَشَرِ الْمُفْتَكِرَةِ عَنِ طُرُقٍ لَيَسْتَفْتِحَ بِالنَّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ بِأَحْسَنِ صُورَةٍ مِنَ الْمَاضِي حَتَّى الْآن!»:

- (۱) قدرت اندیشمند انسان از گذشته تا اکنون به دنبال راه‌هایی می‌گردد تا از نعمت‌های الهی به بهترین شکل بهره‌مند شود!
- (۲) قدرت متفکرانه بشر از گذشته تا حال به دنبال کشف راهی است تا از نعمت‌های خدا به بهترین شکل سود ببرد!
- (۳) انسان با نیروی اندیشمند خود از گذشته تا الآن به دنبال راه‌هایی می‌گردد تا به صورت خوبی از نعمت‌های خدا استفاده کند!
- (۴) انسان با قدرت خود و اندیشه‌اش در گذشته راه‌هایی می‌یافت تا از نعمت‌های الهی به بهترین شکل بهره‌مند شود!

۳۱- «مَا نَجَحَ الرِّيَاضِيُّ فِي الْمُسَابَقَةِ فَعَبَلُ أَرْضِ الْمَلْعَبِ، ثُمَّ تَرَكَهُ بِدَمُوعٍ مُنْهَمِرَةً!»:

- (۱) ورزشکار در مسابقه پیروز نشد، پس در زمین ورزشگاه آن را پذیرفت، سپس با اشک‌هایی ریزان آن را ترک کرد!
- (۲) ورزشکار که در مسابقه برنده نشده بود، زمین بازی را بوسید، سپس آن جا را با اشک‌های ریخته شده ترک نمود!
- (۳) ورزشکار در مسابقه پیروز نشد، پس زمین ورزشگاه را بوسید، سپس با اشک‌هایی ریزان آن را ترک کرد!
- (۴) ورزشکار در آن مسابقه برنده نشد، پس آن را در زمین پذیرفت و با اشک‌هایی که می‌ریخت، آن جا را ترک کرد!

۳۲- «تَدْوُرُ الْأَرْضُ عَلَيَّ شَكْلَيْنِ: دَوْرَانِهَا حَوْلَ نَفْسِهَا لِمَدَّةِ يَوْمٍ كَامِلٍ وَ دَوْرَانِهَا حَوْلَ الشَّمْسِ لِمَدَّةِ سَنَةٍ كَامِلَةٍ!»:

- (۱) زمین به چند صورت می‌چرخد: چرخش آن پیرامون خویش که یک روز طول می‌کشد و چرخش آن به دور خورشید که یک سال طول می‌کشد!
- (۲) زمین به دو شکل می‌چرخد: چرخش آن پیرامون خودش به مدت یک روز کامل و چرخش پیرامون خورشید به مدت یک سال کامل!
- (۳) چرخش زمین به دو شکل است: یک دور به مدت یک روز کامل پیرامون خود می‌چرخد و یک دور به مدت یک سال کامل پیرامون خورشید می‌چرخد!

- (۴) زمین دو دور می‌چرخد: چرخش در اطراف خودش که یک روز کامل است و چرخش در اطراف خورشید که یک سال کامل است!

(ریاضی ۹۴ - با کمی تغییر)

۳۳- «كَانَ أَبَاؤُنَا يُؤَكِّدُونَ دَائِمًا أَنَّ طَرِيقَ الْوُصُولِ إِلَى الْعَزَّةِ هُوَ الْإِحْسَانُ فِي حَقِّ النَّاسِ!»:

- (۱) تأکید پدران ما همیشه این بوده است که طریق دستیابی بر بزرگی، احسان کردن به مردم است!
- (۲) سفارش نیاکان ما تأکید بر این بوده که راه حصول به بزرگی‌ها، خوبی کردن در حق ناس است!
- (۳) پدران ما همواره تأکید می‌کردند که راه رسیدن به بزرگی، نیکی کردن در حق مردم است!
- (۴) نیاکان ما دائماً سفارش می‌کنند که طریق رسیدن به بزرگی‌ها، احسان در حق الناس است!

(ریاضی ۹۴ - با کمی تغییر)

۳۴- «الْفُرْصَةُ الذَّهَبِيَّةُ تَحْصُلُ لِجَمِيعِ النَّاسِ، وَلَكِنَّ النَّاجِحِينَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَفِيدُونَهَا!»:

- (۱) فرصت‌هایی طلایی وجود دارد که برای همه مردم پیش می‌آید، ولی تنها پیروزمندان هستند که موفق به استفاده آن‌ها می‌شوند!
- (۲) فرصت‌های طلایی برای تمامی مردم حاصل می‌گردد، ولی انسان‌های موفق همان کسانی هستند که از آن‌ها استفاده می‌کنند!
- (۳) فرصت‌های زرین برای همه انسان‌ها حاصل‌شدنی است، اما تنها افراد پیروز هستند که استفاده‌اش می‌کنند!
- (۴) برای تمامی مردمان فرصت‌های زرین به دست می‌آید، ولی فقط افراد موفق به بهره‌مندی از آن نایل می‌شوند!

(هنر ۹۰)

۳۵- «هُؤَلَاءُ شَاعِرَاتٌ وَلِهِنَّ أَشْعَارٌ ذَاتُ عَاطِفَةٍ نَافِذَةٍ وَ شَعُورٌ عَمِيقٍ!»:

- (۱) این‌ها شعری هستند که اشعارشان دارای عاطفه‌ای نافذ و احساساتی عمیق است!
- (۲) اینان شاعر هستند و اشعاری دارند که عاطفه‌ای نافذ و احساسی عمیق دارد!
- (۳) این شاعران را اشعاری است با عاطفه تأثیرگذار و احساس عمیق!
- (۴) این شعرا اشعاری دارند با عواطف تأثیرگذار و احساسی عمیق!

### ۳۶- عَيْنَ الصَّحِيح:

- ۱) ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴾: ای کسانی که ایمان آوردید برای چه می‌گویید آن چه را که انجام نمی‌دهید!
- ۲) ﴿ اعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾: کار نیک انجام دهید و من به آن چه می‌کنند دانا هستم!
- ۳) أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ: علم را حتی در چین بیاموزید، زیرا خواستن دانش واجب است!
- ۴) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ ثَمَرَاتٍ؟: آیا می‌دانی که خداوند از آسمان آبی را نازل کرد، پس به وسیله آن میوه‌هایی خارج شد؟

### ۳۷- عَيْنَ الْخَطَأ:

- ۱) هُوَلاءِ الْأَعْدَاءِ هَجَمُوا عَلَى بِلَادٍ مُسَلَّمَةٍ وَ قَتَلُوا رِجَالَهَا! این‌ها دشمنانی هستند که به یک کشور مسلمان حمله کردند و مردانش را کشتند!
- ۲) إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ! به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند!
- ۳) الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ! سخن مانند داروست؛ اندک آن سود می‌رساند و زیادش کشنده است!
- ۴) مَنْ زَرَعَ الْغَدَوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ! هر کس دشمنی کاشت، زیان درو کرد!

### ۳۸- عَيْنَ الْخَطَأ:

- ۱) تُغَيِّرُ حَرَارَةُ الْجَوِّ الْمِيَاءَ عَلَى سَطْحِ الْأَرْضِ إِلَى بَخَارَاتٍ تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ: حرارت جو، آب‌های روی سطح زمین را به بخارهایی تغییر می‌دهد که به سمت آسمان بالا می‌روند،
- ۲) فَتَتَشَكَّلُ الْغَيْومُ وَ تَتَحَرَّكُ فِي السَّمَاءِ وَ تَزِيدُ كَمِّيَّةَ أُخْرَى مِنْ بَخَارِ الْمَاءِ فِي الْغَيْومِ: پس ابرها را تشکیل می‌دهند و در آسمان به حرکت درمی‌آورند و مقدار دیگری از بخار آب در ابرها اضافه می‌شود،
- ۳) وَ بِالنَّاتِجَةِ يَزِيدُ حَجْمَ قَطْرَاتِ الْمَاءِ فِي الْغَيْومِ فَتَتَرَاكُمُ السُّحُبُ: و در نتیجه حجم قطره‌های آب در ابرها زیاد می‌شود و ابرها متراکم می‌شوند،
- ۴) ثُمَّ يَبْدَأُ الْمَطَرُ بِالنُّزُولِ إِلَى سَطْحِ الْأَرْضِ عَلَى شَكْلِ قَطْرَاتِ الْمَاءِ: سپس باران شروع به باریدن به شکل قطره‌های آب بر روی سطح زمین می‌کند!

### ۳۹- عَيْنَ الصَّحِيح:

- ۱) إِشْتَرَى الرَّجُلُ لَزَوْجَتِهِ خَاتَمًا فِيهِ الْأَحْجَازُ الْغَالِبِيَّةُ! مرد برای همسرش انگشتری با سنگ ارزشمند خرید!
- ۲) إِنَّ اللَّهَ شَقَّ الْأَرْضَ تَحْتَ أَقْدَامِ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءً! خداوند زمین را در زیر پای اسماعیل عليه السلام شکافت و آب از آن بیرون آمد!
- ۳) صَارَ خَمْسَةَ طَلَّابٍ فِي مَدْرَسَتِنَا رَاسِبِينَ فِي السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ الْثَالِثَةِ! پنج دانش‌آموز در مدرسه ما در سال سوم تحصیلی مردود شدند!
- ۴) كَانَ طُلُوعُ الشَّمْسِ الْيَوْمَ فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا زُبْعًا! امروز طلوع خورشید در ساعت شش و ربع می‌باشد!

### ۴۰- عَيْنَ الصَّحِيح:

- ۱) إِذَا قَدَّرْتُ أَنْ تَرَحَّمَ عَلَيَّ مِنْ ظَلَمِكَ فَيَرْحَمُكَ اللَّهُ! اگر توانستی به کسی که به تو ستم می‌کند رحم کنی، پس خدا هم به تو رحم خواهد کرد!
- ۲) مَعَ انْتِشَارِ مَرَضٍ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ وَاجِهَ الْمَرَضَى قَلَّةَ الدَّوَاءِ! با انتشار یک بیماری در این شهر، بیماران با کمبود دارو مواجه شدند!
- ۳) لَا تَنْظُرُوا إِلَى مَا يَقُولُ بَلْ أَنْظُرُوا إِلَى مَا فَعَلَ مِنْ أَقْوَالِهِ! به چیزی که گفت ننگرید، بلکه به آن چه از گفته‌اش عمل می‌کند بنگرید!
- ۴) يَنْكَسِرُ نَوْرُ الشَّمْسِ بَعْدَ الْعُبُورِ مِنْ قَطْرَاتِ الْمَطَرِ ثُمَّ يُوجِدُ سَبْعَةَ أَلْوَانٍ! نور خورشید پس از عبور از قطره‌های باران می‌شکند و هفت رنگ پدید می‌آید!

(افتتاحی انسانی ۹۷)

### ۴۱- عَيْنَ الصَّحِيح:

- ۱) شَجَرَةٌ وَاحِدَةٌ إِذَا سَقَطَتْ عَلَى الْأَرْضِ يَشْعُرُ بِهَا النَّاسُ كُلَّهُمْ: درخت وقتی بر زمین می‌افتد همگی مردم آن را احساس می‌کنند،
- ۲) وَلَكِنْ عِنْدَمَا تَنْمُو غَابَةٌ كَبِيرَةٌ لَا يَشْعُرُ بِهَا أَحَدٌ: ولی هنگامی که جنگل بزرگ رشد کرده باشد هیچ کس آن را احساس نمی‌کند،
- ۳) هَكَذَا أَغْلِبَ النَّاسُ لَا يَشْعُرُونَ بِنَمُوكَ: غالب مردم این چنین هستند، رشدت را احساس نمی‌کنند،
- ۴) دَقَّتْهُمْ إِلَى سَقُوطِكَ أَكْثَرَ، فَرَأَيْتَ! به افتادنت بیشتر دقت می‌کنند، پس مراقب خود باش!

(ریاضی ۹۷ - با کمی تغییر)

### ۴۲- عَيْنَ الْخَطَأ:

- ۱) بَعْضُ الْأَحْيَانِ أَنْتَ فِي حَالَةِ الْإِبْتِعَادِ عَنِ اللَّهِ: بعضی وقت‌ها تو در حال دور شدن از خدا هستی،
- ۲) وَ لَا تَرَى عَيْنَاكَ مِنَ اللَّهِ أَثْرًا: و چشمانت نشانه‌ای از خدا نمی‌بیند،
- ۳) فَجَاءَتْ تَحْدِثُ وَاقِعَةً صَغِيرَةً وَ تَرَجِعُ إِلَيْهِ: ناگهان اتفاق کوچکی می‌افتد و به سوی او برمی‌گردد،
- ۴) هَذِهِ يَدُ اللَّهِ الَّتِي تَرِيدُ أَنْ تُنْقِذَكَ! این دست خداست که می‌خواهد تو نجات پیدا کنی!

### ۴۳- «دَانَةٌ كَوَچُكِي دَر بَاغِچِه بَه آرَامِي دَر زَبَرِ نُورِ خُورْشِيدِ فَرُوزَانِ رُشْدِ كَرْدِ وَ گل زَبِيَابِي شَدَا!»:

- ۱) الْحَبَّةُ الصَّغِيرَةُ فِي حَدِيقَةٍ نَمَتْ بِهَدْوٍ فَهِيَ تَحْتَ الْأَضْوَاءِ الْمُسْتَعْرَةِ لِلشَّمْسِ وَ صَارَ وَرْدَةً جَمِيلَةً!
- ۲) نَمَتْ حَبَّةٌ صَغِيرَةٌ فِي الْحَدِيقَةِ بِهَدْوٍ تَحْتَ ضَوْءِ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةِ وَ صَارَتْ وَرْدَةً جَمِيلَةً!
- ۳) تَنْمُو حَبَّةٌ فِي حَدِيقَةٍ صَغِيرَةٍ أَمَامَ أَضْوَاءِ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةِ وَ صَارَتْ وَرْدَةً جَمِيلَةً!
- ۴) تَنْمُو حَبَّةٌ صَغِيرَةٌ فِي الْحَدِيقَةِ تَحْتَ أَضْوَاءِ الْمُسْتَعْرَةِ مِنَ الشَّمْسِ وَ صَبَّرَتْهَا وَرْدَةً جَمِيلَةً!





۱- **گزینه ۲** ترجمه درست «ابر» («الغیم» مفرد است).

ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: مؤمنان از رحمت خدا ناامید نمی‌شوند. / گزینه ۲: ماه در آسمان پشت ابر باقی نمی‌ماند. / گزینه ۳: هنگامی که مدیر وارد شد، روی صندلی ننشین. / گزینه ۴: این دو راهنما روبه‌روی در موزه ایستاده‌اند.

۲- **گزینه ۳** ترجمه درست سایر گزینه‌ها / گزینه ۱: دانه / گزینه ۲: آن / گزینه ۴: بگو

۳- **گزینه ۴** ترجمه درست «پاره آتش»

۴- **گزینه ۳** ترجمه عبارت «برای من یاد نیکو در [میان] آیندگان قرار بده.»

۵- **گزینه ۱** ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: ابر - فرودگاه - ابر - بخار / گزینه ۲: سیاه - سفید - قرمز - زرد / گزینه ۳: ماه - خورشید - ستاره - ستاره / گزینه ۴: دانه - درخت - شاخه - برگ

۶- **گزینه ۲** ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: تگه‌ای از آتش دارای حرارت و روشنایی / پاره آتش / گزینه ۲: آن‌ها کسانی هستند که جوایز طلایی را در مسابقات می‌گیرند. / مردودشدگان / گزینه ۳: اتاقی طولانی و بزرگ در فرودگاه که مسافران در آن منتظر می‌مانند. / سالن / گزینه ۴: عضوی از اجزای درخت که برگ‌هایش روی آن می‌روید. / شاخه

۷- **گزینه ۱** ترجمه عبارت «آیا تا الان به ایران سفر کرده‌ای؟ نه، متأسفانه.»

ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: متأسفانه / گزینه ۲: به امید دیدار / گزینه ۳: به سلامت / گزینه ۴: اگر خدا بخواهد

۸- **گزینه ۲** ترجمه عبارت «قطعاً ماه اطراف زمین می‌چرخد و روشنایی‌اش را از خورشید می‌گیرد.»

ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: می‌چرخد - تاریکی / گزینه ۲: می‌چرخد - روشنایی / گزینه ۳: پایین می‌آید - پاره آتش / گزینه ۴: رشد می‌کند - سرسبز

۹- **گزینه ۴** در این گزینه «عداوة و صداقه» و «العاقِل و الجاهِل» متضاد هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها / در گزینه ۱ «الأراذل» و «الأفاضل»، در گزینه ۲ «زرع» و «حصد» و در گزینه ۳ «قلیل» و «کثیر» با هم متضاد هستند. / ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی رسیدند (برسند)، شایستگان هلاک شدند (می‌شوند). / گزینه ۲: هر کس دشمنی کاشت (بکارد)، زیان درو کرد (می‌کند). / گزینه ۳: سخن مانند داروست، اندکش سود می‌رساند و بسیارش کُشنده است. / گزینه ۴: دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

۱۰- **گزینه ۳** در این گزینه «نهاییه» به معنای «پایان» و «بدایه» به معنی «آغاز، شروع» می‌باشد؛ بنابراین این دو واژه متضاد هستند نه مترادف.

بررسی سایر گزینه‌ها / گزینه ۱: «إجْعَلْ» و «صَعْ» هر دو فعل امر و به معنای «قرار بده» می‌باشند. / گزینه ۲: «المجتهد» و «الساعي» به معنای «تلاشگر، کوشا» هستند. / گزینه ۴: «الفلاح» و «الزارع» هر دو به معنای «کشاورز» هستند.

ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: این شیشه را در جای مناسب قرار بده. / گزینه ۲: دانش‌آموز کوشا در امتحانات آخر سال موفق می‌شود. / گزینه ۳: کتابخانه اصلی در انتهای این خیابان است. / گزینه ۴: کشاورز محصول را زیر خورشید فروزان درو می‌کند.

۱۱- **گزینه ۴** ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: فروش ≠ خرید / گزینه ۲: زشت ≠ زیبا / گزینه ۳: دور ≠ نزدیک / گزینه ۴: اندیشمند ≠ بااقتدار، توانمند

۱۲- **گزینه ۴** در این گزینه «أوجد» به معنای «پدید آورد» است و با کلمه «حفر» که به معنای «حفر کرد، کند» می‌باشد، مترادف نیست.

ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: نورهای خورشید دارای حرارت است. / نوره / گزینه ۲: پاره آتش خورشید، فروزان است. / پاره آتش / گزینه ۳: ابر در آسمان پراکنده شد. / ابر / گزینه ۴: کارگر در زمین چاهی را پدید آورد. / کُند

۱۳- **گزینه ۲** ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: ستاره = ستاره / گزینه ۲: شکافت = مجهز کرد / گزینه ۳: ارزان ≠ گران / گزینه ۴: چپ ≠ راست

۱۴- **گزینه ۲** در این گزینه جمع مکتسر وجود ندارد. «الصالحون» جمع مذکر سالم و «عبادات» جمع مؤنث سالم است.

بررسی سایر گزینه‌ها / در سایر گزینه‌ها به ترتیب «عقارب» جمع مکتسر «عقرب»، «الدُّرر» جمع مکتسر «الدُّر» و «آثار» جمع مکتسر «أثر» است.

ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: ما امروز عقربه‌های ساعت را به عربی خواندیم. / گزینه ۲: آن نیکوکاران برای عبادت‌هایشان در مسجد جمع می‌شوند. / گزینه ۳: به آن مرواریدهای زیبا در شب نگاه کنید. / گزینه ۴: این شاعر، عراقی است و آثار جالبی در نثر و شعر دارد.

۱۵- **گزینه ۱** «أنعم» و «نعم» هر دو به معنای «نعمت‌ها» و مفردشان «نعمه» است.

ترجمه گزینه‌ها / گزینه ۱: نعمت‌ها: نعمت‌ها / گزینه ۲: ستارگان: ستاره / گزینه ۳: سنگ‌ها: سنگ / گزینه ۴: باران‌ها: باران

۱۶- **گزینه ۱** ترجمه عبارت «هر کس دشمنی کاشت (بکارد)، زیان درو کرد (می‌کند).»

«عدوان و عداوة» هر دو به معنای «دشمنی» هستند و با هم مترادف‌اند و متضاد آن‌ها «صداقة» است.

۱۷- **گزینه ۴** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها / إغْمَلْ: کار کن (رد سایر گزینه‌ها) / کَأَنَّ: گویی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / لِأَخْرَتِكَ: برای آخرت (رد گزینه‌های ۲ و ۳)؛ کلمه «سرای» در گزینه ۲ نیز اضافی است. / تموت: می‌میری، خواهی مرد (رد گزینه ۱)

نکته / فعل مضارع را به صورت آینده هم می‌توان ترجمه کرد؛ بنابراین ترجمه «تموت» در گزینه ۳ به صورت آینده غلط نیست.

۱۸- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها / نَمَتْ: رشد کرد؛ فعل ماضی ساده است. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / حَبَّيْ صَغِيرَةٍ: دانه کوچکی، دانه‌ای کوچک (رد سایر گزینه‌ها) / صارت: شد، گردید (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / حَضْرَاء: سرسبز (رد گزینه ۲) / فَوَاكِه كَثِيرَةٌ: میوه‌هایی فراوان (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

- ۱۹- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: المَطَار: فرودگاه (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / قَدْ كَتَبُوا: نوشتند، نوشته‌اند (رد گزینه ۲) / ادْخُلُوا: وارد شوید؛ فعل امر است. (رد گزینه ۲) / الیَمین: راست (رد گزینه ۳) / اُخْرَجُوا: خارج شوید؛ فعل امر است (رد گزینه ۲) / الیسار: چپ (رد گزینه ۳)
- ۲۰- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: ذَلِكَ: آن (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / الشَّمْس: خورشید (رد گزینه ۴) / الشَّرَّة: پاره آتش، زبانه آتش (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / خَلِقَ: آفرید، به وجود آورد (رد گزینه ۲) / أَوْجَدَ: به وجود آورد، پدید آورد (رد گزینه ۲) / قَمَرَه: ماهش (رد گزینه‌های ۱ و ۴)
- ۲۱- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: الدُّخُول: ورود، وارد شدن؛ مصدر فعل «دَخَلَ» است. (رد گزینه ۳) / السَّابِعَة إِلَّا رُبْعاً: یک ربع به هفت، شش و چهل و پنج دقیقه (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / الثَّلَاثَة و الرَّبْع: سه و ربع (رد گزینه‌های ۱ و ۴)
- ۲۲- **گزینه ۴** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: لَا تَنْظُرُوا: نگاه نکنید؛ فعل نهی است. (رد گزینه ۳) / كَثْرَة صَلَاة: فراوانی نماز (رد گزینه ۱) / النَّاس: مردم (رد گزینه ۲) / صَوْم: روزه؛ «صوم» مفرد است (رد گزینه ۲) / أَنْظُرُوا: بنگرید، نگاه کنید؛ فعل امر است. (رد گزینه ۳) / صِدْق الحَدِيث: راستی گفتار، راستگویی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / أداء الأمانة: امانتداری (رد گزینه ۳)
- ۲۳- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: جَذْوَة: پاره آتش، شراره؛ مفرد است. (رد گزینه ۳) / ضیاء: روشنایی، نور؛ مفرد است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / أیضاً: هم‌چنین، نیز (رد گزینه‌های ۱ و ۴)
- نکته** با توجه به آن که در جمله از هیچ فعلی استفاده نشده، در ترجمه آن از فعل ربطی «است» استفاده می‌کنیم (رد گزینه ۳).
- ۲۴- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: قُلْ بگو؛ فعل امر است. (رد گزینه ۱) / المریض: بیمار؛ مفرد است نه جمع! (رد گزینه ۳) / أَنْ يَأْكُلَ: که بخورد (رد گزینه ۳) / دَوَاءه: دارویش؛ مفرد است. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / ثَلَاث مَرَاتٍ: سه بار (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / السَّاعَات: ساعت‌ها؛ جمع است. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / السَّابِعَة إِلَّا رُبْعاً: یک ربع به هفت، شش و چهل و پنج دقیقه (رد گزینه ۱) / الثَّلَاثَة و النصف: سه و نیم (رد گزینه ۳) / الحَادِيَة عَشْرَة و الرَّبْع: یازده و ربع (رد گزینه‌های ۳ و ۴)
- ۲۵- **گزینه ۴** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: زَان: زینت داد؛ فعل ماضی است (رد گزینه ۱) / النَّصْرَة: تروتازه (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / أَشْجَار: درختان؛ جمع مکرر «شجرة» است. (رد گزینه ۲) / حَدِيقَتَنَا: باغمان (رد گزینه ۳) / الحَمْرَاء: قرمز (رد گزینه ۳)
- توجه** «الغُصُون النَّصْرَة» ترکیب وصفی است و «النَّصْرَة» صِفَتِ «الغُصُون» است نه صفت برای «الأشجار». (رد گزینه ۲)
- ۲۶- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: تَشَقُّقٌ: می‌شکافد؛ فعل مضارع و مفرد است. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / الحَبَّة: دانه؛ مفرد است نه جمع. (رد گزینه ۳) / الحَبَّة الَّتِي نَزَرَعُهَا: دانه‌ای که آن را می‌کاریم (رد گزینه ۲) / تَشَقُّقٌ ... الأَرْضُ: زمین را می‌شکافد؛

- (رد سایر گزینه‌ها) // وَ تَخْرُجُ: و خارج می‌شود؛ فعل مضارع است و نباید به صورت ماضی یا مصدر ترجمه شود. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / نباتاً أَحْضَرَ: گیاهی سبز، گیاه سبزی (رد گزینه‌های ۳ و ۴)
- ۲۷- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: قَدْ أَوْجَدَ: پدید آورده است، به وجود آورد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / الكواكب: ستاره‌ها؛ جمع «الکوکب» است. (رد گزینه ۲) / لِيُخْرِجَ: تا بیرون آورد، تا خارج کند. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / مِنَ الظُّلْمَة: از تاریکی (رد سایر گزینه‌ها) / عند اللَّيْلِ: هنگام شب (رد گزینه‌های ۳ و ۴)
- نکته** «قد + ماضی» معمولاً معادل ماضی نقلی در زبان فارسی است.
- ۲۸- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: جَهَّزَتْ: مجهز کرد (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / بسببِ الغُدوان: به خاطر دشمنی (رد گزینه ۱)
- ۲۹- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: اِسْتَدَّتْ: شدت گرفت؛ فعل ماضی است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / ثَلَاث مَحَافِظَات: سه استان (رد گزینه ۴) / زَادَتْ: افزود، زیاد کرد (رد سایر گزینه‌ها) / اِغْبِرَان: غبارآلودگی (رد گزینه ۳) / مَدُنِهَا: شهرهای آن (رد گزینه ۱)
- ۳۰- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: تَبَحُّثٌ: می‌گردد، جست‌وجو می‌کند (رد گزینه ۴) / قَدْرَة البشر المَفْتَكِرَة: قدرت اندیشمند انسان (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / طُرُقٍ: راه‌هایی؛ جمع است (رد گزینه ۲) / اِلَهِيَّة: الهی، خدایی (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / بأَحْسَنِ صُورَة: به بهترین شکل (رد گزینه ۳)
- نکته** در ترکیب «قدرة البشر المَفْتَكِرَة» که یک ترکیب وصفی - اضافی است، ابتدا مضاف‌إلیه و سپس صفت آمده است، اما در هنگام ترجمه، مطابق زبان فارسی، ابتدا باید صفت را ترجمه کنیم و سپس مضاف‌إلیه را.
- ۳۱- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: مَا نَجَحَ: موفق نشد، پیروز نشد (رد گزینه ۲) / فِي المَسَابِقَة: در مسابقه (رد گزینه ۴) / قَبْلَ: بوسید (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / أَرْض المَلْعَب: زمین ورزشگاه (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / نَمَّ: سپس (رد گزینه ۴) / بِدُمُوعٍ مُنْهَمِرَة: با اشک‌هایی ریزان (رد گزینه‌های ۲ و ۴)
- نکته** «ما» بر سر فعل ماضی، آن را منفی می‌کند. (ما نَجَحَ: موفق نشد)
- ۳۲- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: تَدَوَّرَ: می‌چرخد (رد گزینه ۳) / شَكْلَيْن: دو شکل؛ مثنی است. (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / دَوْرَانِهَا: چرخش آن؛ اسم است و نباید به صورت فعل ترجمه شود. (رد گزینه ۳) / لِمَدَة: لِمَدَة: کامل؛ به مدت یک روز کامل (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / لِمَدَة سَنَةٍ كَامِلَة: به مدت یک سال کامل (رد گزینه‌های ۱ و ۴)
- ۳۳- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: كَان ... يُؤَكِّدُون: تأکید می‌کردند؛ کان + مضارع ← معادل ماضی استمراری است. (رد سایر گزینه‌ها) / العزّة: بزرگی؛ مفرد است نه جمع. (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / فِي حَقِّ النَّاس: در حق مردم (رد گزینه ۱)
- ۳۴- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: الفُرص الدَّهْبِيَّة: فرصت‌های طلایی (رد گزینه ۱) / تَحَصَّلَ: به دست می‌آید، حاصل می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / هَمَّ الَّذِينَ: همان کسانی هستند که (رد سایر گزینه‌ها) / يَسْتَفِيدُونَهَا: از آن‌ها استفاده می‌کنند (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

۳۵- **گزینه ۲** **بررسی موارد کلیدی در گزینیه‌ها** هؤلاء شاعرات: اینان شاعر هستند (رد سایر گزینیه‌ها) / و لَهْنُ أشعار: و اشعاری دارند (رد سایر گزینیه‌ها) / عاطفة: عاطفه‌ای؛ مفرد است نه جمع. (رد گزینیه‌های ۳ و ۴) / شعور: احساسی؛ مفرد است. (رد گزینیه‌های ۱ و ۳)

**نکته** هرگاه بعد از اسم اشاره، اسم بدون «ال» بیاید، به صورت جمله ترجمه می‌شود؛ ولی اگر اسم «ال» دار بیاید یک گروه اسمی است و جمله نیست. (هؤلاء شاعرات: این‌ها شاعر هستند. هؤلاء الشاعرات: این شاعران)

۳۶- **گزینه ۱** **ترجمه درست سایر گزینیه‌ها** گزینیه (۲): کار نیکو انجام دهید، به درستی که من به آن چه انجام می‌دهید آگاه هستم. / گزینیه (۳): علم را حتی در چین بجوید؛ زیرا خواستن دانش واجب است. / گزینیه (۴): آیا می‌دانی که خداوند از آسمان، آبی را نازل کرد پس به وسیله آن میوه‌هایی درآورد!

۳۷- **گزینه ۱** **ترجمه درست** این دشمنان به یک کشور مسلمان حمله کردند و مردانش را کشتند.

۳۸- **گزینه ۲** **ترجمه درست** پس ابرها تشکیل می‌شوند و در آسمان به حرکت درمی‌آیند و مقدار دیگری از بخار آب در ابرها اضافه می‌شود.

۳۹- **گزینه ۳** **ترجمه درست سایر گزینیه‌ها** گزینیه (۱): مرد برای همسرش انگشتی خرید که در آن سنگ‌های گران‌قیمت وجود داشت. / گزینیه (۲): به راستی خداوند زمین را زیر پاهای اسماعیل علیه السلام شکافت و از آن آبی بیرون آورد. / گزینیه (۴): امروز طلوع خورشید در ساعت یک ربع به شش بود.

۴۰- **گزینه ۲** **ترجمه درست سایر گزینیه‌ها** گزینیه (۱): اگر توانستی به کسی که به تو ستم کرده رحم کنی، پس خداوند به تو رحم می‌کند (خواهد کرد). / گزینیه (۳): به چیزی که می‌گوید نگاه نکنید، بلکه به آنچه از گفته‌هایش عمل کرده بنگرید. / گزینیه (۴): نور خورشید بعد از عبور از قطره‌های باران شکسته می‌شود سپس هفت رنگ پدید می‌آورد.

۴۱- **گزینه ۳** **ترجمه درست سایر گزینیه‌ها** گزینیه (۱): یک درخت هرگاه بر زمین بیفتد، همگی مردم آن را احساس می‌کنند. / گزینیه (۲): ولی هنگامی که جنگل بزرگی رشد می‌کند، هیچ کس آن را احساس نمی‌کند. / گزینیه (۴): دقتشان به افتادنت بیشتر است، پس مراقب باش!

۴۲- **گزینه ۴** **ترجمه درست** «این دست خداست که می‌خواهد تو را نجات دهد.»

۴۳- **گزینه ۲** **بررسی موارد کلیدی در گزینیه‌ها** دانه کوچکی: حَبَّةٌ صغيرة (رد گزینیه‌های ۱ و ۳) / در باغچه: في الحديقة (رد گزینیه‌های ۱ و ۳) / به آرامی: بهُدوء (رد گزینیه‌های ۳ و ۴) / زیر: تحت (رد گزینیه ۳) / نور خورشید فروزان: ضوء الشمس المُستَوِرَة؛ اولاً «نور» مفرد است؛ ثانیاً «فروزان» صفت «خورشید» است نه «نور». (رد سایر گزینیه‌ها) / شد: صارت، أصبَحَتْ؛ به علت مؤنث بودن «حَبَّة» باید به صورت مؤنث بیاید. (رد گزینیه‌های ۱ و ۴)

**نکته** برای تشخیص مذکر یا مؤنث بودن فعل باید دقت کنیم که فعل مربوط به کدام کلمه است.

۴۴- **گزینه ۱** **بررسی موارد کلیدی در گزینیه‌ها** این هتل: هذا الفندق (رد گزینیه ۳) / از ساعت شش و ربع: من الساعة السادسة و الربع (رد سایر گزینیه‌ها) / صباحانه: الفطور (رد گزینیه‌های ۲ و ۴)

**نکته** برای «ساعت کامل + ربع» می‌توان از ترکیب «عدد ترتیبی «ال» دار + و + ال رُبْع» استفاده کرد.

۴۵- **گزینه ۲** **بررسی موارد کلیدی در گزینیه‌ها** رنگ: لون؛ مفرد است. (رد گزینیه ۴) / میوه: الفاكهة؛ مفرد است و نباید به صورت جمع بیاید. (رد گزینیه ۳) / سبز: الأخضر (رد سایر گزینیه‌ها) / زرد: الأصفر (رد گزینیه ۱) / تغییر داد: غَيَّرَ؛ فعل ماضی در صیغه مفرد مذکر غایب است. (رد سایر گزینیه‌ها)

۴۶- **گزینه ۲** **بررسی موارد کلیدی در گزینیه‌ها** خوابیدن: التَّوَمُّ، الرُّقُود (رد گزینیه ۴) / هشت ساعت: ثَماني ساعات (رد گزینیه‌های ۱ و ۳) / یک روز: اليوم الواحد (رد گزینیه‌های ۳ و ۴) / سلامت جسم و روح: سلامة الجسم و النفس (رد گزینیه‌های ۱ و ۳) / کمک می‌کند: يُساعد؛ فعل مضارع است و مفعول ندارد. (رد گزینیه‌های ۱ و ۴)

۴۷- **گزینه ۲** **بررسی موارد کلیدی در گزینیه‌ها** دانش‌آموز: التلميذ، الطالب؛ مفرد است نه جمع. (رد گزینیه ۱) / شباهت‌ها: تشابهات؛ جمع است. (رد گزینیه ۴) / شباهت‌های زندگی: ... تشابهات حياة؛ ... ترکیب اضافی است و باید به صورت (مضاف + مضاف‌إلیه) بیاید. (رد گزینیه ۲) / کلاغ: الغراب (رد گزینیه ۴) / می‌گشت: كان يبحث؛ اولاً «می‌گشت» ماضی استمراری است و معادل آن در عربی باید به صورت «كان + فعل مضارع» بیاید (رد گزینیه‌های ۲ و ۴)؛ ثانیاً با توجه به «دانش‌آموز» که مفرد است، باید در صیغه مفرد مذکر غایب باشد. (رد گزینیه ۱)

۴۸- **گزینه ۲** **بررسی موارد کلیدی در گزینیه‌ها** غرق‌شدگان: الغارقون، الغریقون؛ «غرق‌شدگان» اسم است. (رد گزینیه‌های ۱ و ۳) / دنیوی: الدنیویة (رد گزینیه‌های ۱ و ۳) / زیرا آن‌ها: لأتهم (رد گزینیه ۳) / سرای آخرت: الدار الآخرة (رد سایر گزینیه‌ها)

۴۹- **گزینه ۱** **ترجمه عبارت** هر کس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند. **ترجمه گزینیه‌ها** گزینیه (۱): اگر شکر کنید، قطعاً برای شما زیاد می‌کنم و اگر کفران کنید، محققاً عذاب من شدید و سخت است. / گزینیه (۲): هرگاه بدی کردی از آزار و اذیت‌ها در امان نیستی؛ چون دیر یا زود مکافات عمل خود را خواهی دید. / گزینیه (۳): هر مصیبتی به شما برسد به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید. / گزینیه (۴): اگر بدی می‌کنی، انتظار خوبی نداشته باش؛ چراکه اگر درخت خار بکاری، گل یاسمن درو نمی‌کند.

۵۰- **گزینه ۱** **ترجمه عبارت** «و آن را با ستارگانی مانند مروریدهای پراکنده زینت داد.»

**ترجمه گزینیه‌ها** گزینیه (۱): ما آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم. / گزینیه (۲): ستارگان به فرمان او مسخر شده‌اند. / گزینیه (۳): او کسی است که ستارگان را برای شما پدید آورد تا به وسیله آن‌ها در تاریکی‌های خشکی و دریا هدایت شوید. / گزینیه (۴): ما آن چه را که بر زمین است زینتی برایش قرار دادیم.

۵۱- **گزینه ۴** **ترجمه عبارت** «ای کسانی که ایمان آوردید برای چه می‌گوئید آن چه را که انجام نمی‌دهید؟»